

روزی که اموال و ثروت به درد انسان نمی خورد

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره های کوچک قرآن کریم، سوره مبارک مسد را باهم تلاوت می کنیم که خداوند متعال می فرماید: «تَبَّتْ يَدَايِیْ لَهْبٍ وَتَبَّتْ مَآ اَغْنٰی عَنْهُ مَالُهُ وَمَا کَسَبَتْ، سَبِیْضُلِیْ نَارًا ذَاتَ لَهْبٍ، وَآهْرَآئُهُ حُمْآلُهُ الْعَطْبِ، فِیْ جِیْدِهَآ خَبْلٌ مِّنْ مَّسْجَدٍ، یَاوُدُ بَادِ قُدْرَتِ ابُولَهَبِ وَ نَابُودُ بَادِ خُودَشْ؛ ثُرُوتُش و آنچه از امکانات به دست آورد، چیزی [از عذاب خدا را که در دنیا، عذاب استیصال است] از او دفع نکرد، به زودی در آتشی زبانه دار درآید؛ [همراه] زنش، آن هیزم کش [آتش افروز درحالی که] در گردنش ریسمانی از لیف خرماست.»

این سوره به نام های تبت و مسد، معروف است و هنگامی نازل شد که پیامبر اکرم ^(ص) پیام وحی را به خویشان وندانشان رساندند و ابولهب که عموی حضرت بود، گفت: «تبالک، هلاکت بر تو باد!» و این سوره، گفتار او را به خودش رد کرد. آهنگ سوره چنان کوبیده بود که همه آن را حفظ کردند و ابولهب، ضربه سنگینی خورد و خانه نشین شد تاآنکه مُرد و بقیه کفار، حساب کار خودشان را کردند که مبادا سوره ای نیز علیه آنان نازل شود.

اما مهم ترین نکته سوره مسد که همیشه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که روز قیامت، مال و ثروت به درد انسان نمی خورد. قرآن کریم در آیات مختلفی، این امر را یادآوری کرده است که مال و ثروت، سلطنت و حکومت، جمعیت و فرزندان به حال انسان سودی نخواهد داشت، قهر الهی از ستمگران، دور نیست و هر چیزی که در اثر تلاش به دست آید، خواه ثروت باشد خواه مقام و شهرت، در برابر قهر الهی کارایی ندارد.

حکمت

داستان انسان و شیطان از زبان امیر مؤمنان^(ع)

علیهو رَفَعْتُ اِنْشَانًا ذَا أَفْهَآیْ یُجِیْلُهُآ وَ فِکْرٌ یَّتَضَرَّفُ بَهَا وَ جَوَآخِرٌ یَّتَغْتَدِمُهَا....

این قطعه از خطبه اول نهج البلاغه، روایتی شگفت انگیز از خلقت انسان است که شیطان نیز در صف فرشتگان، شاهد آن است. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در این کلمات، ما را به عمق هستی خودمان می برد، از مشتی خاک برگرفته از سخت و نرم زمین، شور و شیرینش، تا رسیدن به روح الهی که در این پیکر دمیده شد.

نکته ای که در این فراز، پیش از آن روایت آسمانی سجده ملانک، تکانمان می دهد، تأکید بر «ترکیب متضاد» وجود ماست. ما آمیزه ای از گرمی و سردی، تری و خشکی و از همه مهم تر، قدرت ها و خواسته هایی هستیم که مدام درونمان در جدال اند. گویا گل خشک شده ما، هنوز هم طعم آن خاک های گوناگون را با خود دارد، هم شوری را، هم شیرینی را.

در دل همین دوگانگی است که «قدرت تشخیص» و «نیروی اندیشه» معنا پیدا می کند. خداوند به انسان، ابزاری عطا کرده است تا به کمک آن حق را از باطل بازشناسد. این همان نقطه عزیمت ما از دل زمین به آسمان است. اما درست در همین نقطه، رنگ خطر نیز به صدا درمی آید، قصه شیطان. ابلیس نه از سر نا گاهی، بلکه از سر غرور و «خود بزرگ بینی» سقوط کرد. او به جای نگرستن به «روح الهی» انسان، به «پست» شمردن خاک او پرداخت و به آتش خلقت خود پایید. این آتش دیرینه جان ماست؛ اینکه نقاط قوت، داشته ها یا طبقه اجتماعی مان، ما را از حقیقت انسانیتمان دور کند و به تحقیر «دیگری» بکشاند.

در هیاهوی زندگی شهری امروز، جایی که قضاوت های سریع براساس ظواهر و مادیات رواج دارد، این پیوند میان خاکی بودن و روح خدایی داشتن، شاید عمیق ترین درس نهج البلاغه برای من و شما باشد. به یاد داشته باشیم که درخشان ترین عنصر وجود ما، نه «عنصر» که «نفخه روح» است و بزرگ ترین خطا، تکرار نگاه شیطانی، نگاهی که فقط خاک را می بیند.

احکام محرم

آیا زن می تواند بدون اجازه همسر نذر کند؟

علیرضا وکیل| نذر کردن برای برپایی مراسم عزاداری، اطعام یا انجام اعمال خیر، از سنت های رایج در ایام محرم است. گاهی بانوان از اموال شخصی خود، نذر و تصور می کنند که چون مال متعلق به خودشان است، نیازی به اجازه همسر ندارند. اما آیا از نظر شرعی نیز چنین است؟ پاسخ این پرسش در فتاوی مراجع تقلید، یکسان نیست و آگاهی از آن، مانع از انجام نذرهای فاقد اعتبار شرعی خواهد شد.



خانمی بدون اجازه شوهر، از پول خودش برای ایام محرم، نذر پخت و توزیع غذا در مسجد محله کرده و صیغه نذر را نیز خوانده است. اکنون شوهر او ناراضی است، آیا این نذر صحیح است؟

نظر حضرت امام خمینی^(ع): نذر زن بدون اجازه شوهر، مطلقا باطل است؛ هرچند نذر غیرمالی باشد یا از اموال خودش، نذر کرده باشد.

آیت الله العظمی شهید سید علی خامنه ای: اگر شوهر در زمان نذر برای اجازه گرفتن دردسترس بوده ولی اذن نگرفته است، بنابر احتیاط واجب، نذرش باطل است؛ البته تصرفات دیگر زن در مال خودش، نیاز به اجازه ندارد.

آیت الله العظمی سیستانی:

صحیح بودن نذر زن درباره اموال خودش بدون اجازه شوهر، اشکال دارد و مقتضای احتیاط در آن ترک نشود، ولی نذرهای مالی زن درباره حج، زکات، صدقه، احسان به پدر و مادر و صلواتراحم، صحیح است و نیاز به اجازه شوهر ندارد. همچنین در مورد نذر حج مستحبی، در صورتی صحیح است که منافات با حق واجب شوهر نداشته باشد یا با اجازه وی انجام شود.

آیت الله العظمی وحید خراسانی: صحت نذر زن در مال خودش بدون اذن شوهر – در غیر حج، زکات، احسان به پدر و مادر یا صلواتراحم – محل اشکال است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی: نذر زن در صورتی که مزاحم حق شوهر باشد، بدون اجازه او باطل است.

اعتبار شرعی نذر، فقط به نیت خیر یا استفاده از مال شخصی بستگی ندارد، بلکه رعایت شرایط فقهی نیز ضروری است. از آنجا که دیدگاه مراجع تقلید درباره نذر زن بدون اجازه همسر متفاوت است، بانوان بهتر است پیش از نذر کردن، نظر مرجع تقلید خود را بررسی کنند تا نذر آنان از نظر شرعی، صحیح و لازم الوفا باشد.



کتاب شهید ایران

شهرک

شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۹۵ شماره ۲۷۸

۱۴

↓

مهر

بررسی آثار تربیتی شرکت در مراسم تشییع در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا

شکوه بدرقه، نشانه بیداری امت

آمنه مستقیم| از نقاط عطف تاریخ انقلاب اسلامی ایران، تشییع باشکوه شهید و بزرگانی است که در تورق کتاب تاریخ این سرزمین نقش مهمی ایفا کرده اند: تشییع هایی که به قاب های ماندگار تاریخ معاصر نه فقط ایران بلکه جهان تبدیل شده اند؛ مثل تشییع امام خمینی^(ع) و تشییع سردار دل ها، حاج قاسم سلیمانی. این روزها نیز شاهد رقم خوردن صحنه تاریخی دیگری باتشییع رهبر شهید امت هستیم؛ حماسه ای که چشم جهان را خیره کرده است. در بررسی آثار تربیتی این تشییع با حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر و مؤلف سیره اهل بیت^(ع)، گفت وگو کرده ایم.

گفت وگو

استحباب تشییع در فقه شیعه

«تشییع» به معنای بدرقه رفتن، به قصد وداع دنبال کسی رفتن و در مراسم دفن مرده شرکت کردن است و در اصطلاح فقهی، خارج شدن و رفتن دنبال جنازه میت تا زمانی که میت را در قبر می گذارند، قلمداد می شود. تشییع پیکر در فقه شیعی، مسئله ای مستحب است و فقهای شیعه در این باره فتاوی مستحب داده اند. بنا بر نظر فتاوا حتی در دوران اعتکاف که نمی شود از مسجد خارج شد، شرکت در تشییع در این دوره، استثناست و این عمل، اعتکاف را باطل نمی کند و معتکف می تواند برای تشییع، از مسجد خارج شود و مجدد به محل اعتکاف بازگردد. لذا در احکام و روایات، تشییع اموات مورد تأکید و توصیه است و آثار و برکات دنیوی و اخروی دارد.

ملانکه برای تشییع کنندگان، دعا می کنند

پیامبر اکرم ^(ص) درباره ثواب شرکت در تشییع جنازه مؤمنان می فرمایند: «کسی که جنازه ای را تشییع کند، برای هر قدمی که برمی دارد تا زمانی که بازگردد، ۱۰۰ هزار هزار حسنه دارد و ۱۰۰ هزار هزار گناه از او محو می شود و همین اندازه درجه نزد خدا به دست می آورد و اگر بر میت نماز بخوانند، موقع مرگش ۱۰۰ هزار هزار ملانکه برایش، دعا و استغفار می کنند.» در کتاب های حدیثی و فقهی ما بر تشییع، سفارش شده است و ده ها روایت داریم که تأکید می کنند مؤمن در تشییع برادر مؤمنش، شرکت و او را در دفن یاری کند. در منابعی همچون جواهر الکلام مرحوم علامه نجفی، این احادیث و روایات، مفصل آورده شده است.

شرکت در تشییع، سیره اهل بیت^(ع) است

شرکت در تشییع جنازه اموات در سیره اهل بیت^(ع) مرسوم بوده است؛ اگرچه پیامبر ^(ص)، امیرالمؤمنین^(ع)، امام حسن^(ع) و حضرت سیدالشهدا^(ع) هیچ کدام آیین تشییع نداشتند! اما برای امام صادق^(ع) تشییع باشکوهی برگزار شد. همچنین حضرت موسی بن جعفر^(ع) به شیوه ماورایی در تشییع بانو شطیبه نیشابوری شرکت کردند و امروز مقام این بانو در نیشابور، زیارتگاه مردم شده است. امام رضا^(ع) و حضرت جواد الائمه^(ع) نیز در تشییع جنازه مؤمنان شرکت می کردند.

آداب خاص تشییع

حضور در تشییع اموات، آداب خاصی دارد، مثل گفتن اذکار بسم الله و بالله و فرستادن صلوات و گفتن «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِیْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ»، همچنین بر حضور پیاده در تشییع، تأکید شده است و سواره رفتن در این مراسم کراهت دارد، خندیدن و خوشحالی در تشییع جنازه نیز مکروه است و در روایات آمده است اینکه در تشییع جنازه از هر چهارسو حضور بیایید، مستحب است. اگرچه برخی روایات، حضور بانوان در تشییع جنازه را مکروه می دانند، بسیاری از فقها به دلیل آثار مهم تربیتی، این حضور را مؤثر دانسته اند.

تشییع شهدا فرق دارد

درباره عظمت شهید، روایات متعددی در دست است. همین که در تشییع شهید حاضر می شویم، دو پیام مهم دارد؛ یکی آنکه ما مقام شهید را بزرگ می داریم و دوم آنکه با مسیر شهید، تجدید پیمان می کنیم؛ در تشییع قائد امت و اعضای شهید خانواده ایشان، حکمت های بسیار وجود دارد؛ از جمله الگوبرداری برای خود و خانواده مان؛ چرا که شخصیتی را تعظیم می کنیم که به دلیل کیفیت زیستن به مقام شهادت، دست یافته است. پیام دیگر تشییع رهبر شهید، معرفی شخصیت ایشان و تکریمشان به عنوان عالم و فقیه است.

تشییع قائد امت، مصداق تعظیم شاعرالله است

این تشییع، اثرات تربیتی برای خود و فرزندانمان دارد و مسیر عاقبت به خیری را نشان ما می دهد؛ یکی از روش های تربیتی اسلام برای دنیا و آخرت. همین حضور در تشییع است. چهارمین اثر تشییع رهبر شهید انقلاب، بدرقه یکی از ذریه پیامبر^(ص) و سادات و مصداق سفارش پیامبر^(ص) بر بزرگداشت فرزندان ایشان

است؛ پنجمین حکمت و رهاورد این تشییع، عمل به آیه قرآن است که می فرماید: «وَمَنْ یُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» بنابراین ما عالمی را تشییع می کنیم که مجاهد فی سبیل الله است و تعظیم او، مصداق تعظیم شاعر الهی و سفارش شده قرآن است.

پیام تشییع قائد شهید انقلاب به دوستان و دشمنان

ششمین آموزه ای که در دل تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب نهفته، ترویج اهداف مقدس و راه شهید و شهیدگونه زیستن است. ما رهبر عدالت طلب و ظلم ستیزی را بدرقه می کنیم که اهداف مقدس داشته است و پای این اهداف همچون جدش حضرت سیدالشهدا^(ع) از جان و خانواده، گذشته است و آن ها را نیز نثار انقلاب و اسلام، کرده است. علاوه بر این، تشییع باشکوه قائد شهید امت، خود یک تربیون عظیم رسانه ای و تبلیغ جهانی است و هم برای دوستان و هم برای دشمنان پیام دارد؛ دشمنان درمی یابند این تصور که با شهادت قائد امت همه چیز تمام می شود، باطل و سراب است و اتفاقا راه شهید، استمرار و عمق بیشتری دارد و قلب دوستان هم کمی از بار داغ شهید امت، سبک می شود.

راز جاودانگی «ما رأیتُ إلا جمیلًا»

دید، فراتر از ظاهر حادثه بود. آن بانو در پشت پرده خون و شمشر، تحقیق اراده الهی، پیروزی حقیقت بر تحریف و جاودانگی پیام عاشورا را مشاهده می کرد.

امروز نیز انسان معاصر بیش از هر زمان دیگری با رنج، اضطراب و نااطمینانی مواجهه است. مشکلات اقتصادی، بیماری ها، ناکامی های فردی، شکست های عاطفی و بحران های اجتماعی، بخشی از تجربه روزمره بسیاری از مردم شده است. در چنین فضایی، گاهی تصور می شود که خوشبختی فقط در نبود مشکلات، معنا پیدا می کند، اما تجربه تاریخی عاشورا و پیام حضرت زینب^(ص) نشان می دهد که ارزش انسان نه در نداشتن رنج، بلکه در نوع مواجهه با رنج، آشکار می شود.

از منظر علوم اجتماعی نیز انسان ها زمانی تاب آوری بیشتری از خود نشان می دهند که برای سختی هایشان معنایی بیابند. پژوهش های متعدد نشان داده اند افرادی که زندگی را دارای هدف و رسالت می دانند،



حسین مجتبیان کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

در برابر بحران ها مقاوم تر هستند. در واقع، معنا همان پلی است که انسان را از درد به امید می رساند. حضرت زینب^(ص) نیز در متن بزرگ ترین مصیبت عالم، خود را صاحب رسالتی بزرگ می دید؛ هدف و رسالت حفظ حقیقت عاشورا و رساندن پیام شهیدان کر بلا به تاریخ. شاید راز ماندگاری این بانوی بزرگ نیز در همین نکته نهفته باشد. او به جای آنکه در اندوه فروبماند، غم را به آگاهی تبدیل کرد؛ به جای آنکه اسارت را پایان راه بداند، آن را آغاز جهاد تبیین قرار داد و به جای اینکه فقط به زخم ها نگاه کند، افق های دور تر را دید. البته گاهی، برخی ها تصور می کنند توکل و صبر یعنی چشم بستن بر مشکلات، در حالی که سیره حضرت زینب^(ص) دقیقاً خلاف این را نشان می دهد. او نه سکوت کرد و نه ظلم و نه به توجیه پرداخت. در کوفه و شام، با صراحت از حق دفاع کرد و چهره ستمگران را برای افکار عمومی آشکار ساخت. در واقع زیبایی در نگاه آن بانو، محصول فرار از واقعیت

حضور در تشییع، معاد را تقویت می کند

از مهم ترین آموزه های تربیتی شرکت در تشییع جنازه مؤمنان، تقویت باور به معاد است. فردی که در تشییع شرکت می کند، درمی یابد که زمانی نوبت او هم می رسد و باید از امروز، خود را آماده آن روز و مواجهه با اعمال خویش کند. از این رو اعتقاد به معاد در تشییع کنندگان تقویت می شود و درمی یابند که مرگ، حق است یا وقتی نماز میت می خوانیم و به خوبی میت تصریح می کنیم، سعی می کنیم ما هم طوری رفتار کنیم که در تشییع ما نیز مردم به خوبی ما اذعان کنند. حضور در تشییع رهبر شهید انقلاب نیز به نوعی ابراز پای بندی به سیره و سلوک ایشان و علاقه مندی به پیروی از آقای شهید ایران است. اساسا تشییع باشکوه علما و اولیاء الله، خار چشم دشمنان است؛ برای همین هم دستگاه تبلیغاتی خود را علیه آن فعال می کنند.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا؛ درباره عظمت شهید، روایات متعددی در دست است. همین که در تشییع شهید حاضر می شویم، دو پیام مهم دارد؛ یکی آنکه ما مقام شهید را بزرگ می داریم و دوم آنکه با مسیر شهید، تجدید پیمان می کنیم

نبود، بلکه نتیجه پیوند عمیق با خداوند و باور به حکمت الهی بود.

جامعه امروز نیز بیش از هر زمان دیگری، به این نوع نگاه نیاز دارد؛ نگاهی که در دل مشکلات، مسئولیت را فراموش نمی کند؛ در میان ناامیدی ها، امید می آفریند و در سخت ترین شرایط، انسان را از مدار بندگی خارج نمی سازد. شاید نتوان همه تلخی های زندگی را حذف کرد، اما می توان آموخت که مانند زینب کبری^(ص)، اسیر تلخی ها نشویم. در ادبیات ارتباطات، نظریه «چارچوب بندی» توضیح می دهد که انسان ها، رویدادها را صرفا براساس خود وقایع درک نمی کنند، بلکه براساس معنایی که به آن وقایع می دهند، تفسیر می کنند. حضرت زینب^(ص) نیز پس از عاشورا اجازه نداد کر بلا در چارچوب شکست نظامی روایت شود، بلکه آن را در چارچوب پیروزی حقیقت و رسوایی ظلم، بازتعریف کرد. از این منظر، «ما رأیتُ إلا جمیلًا» را می توان عالی ترین نمونه بارز چارچوب بندی یک فاجعه تاریخی به مثابه یک پیروزی معنوی دانست. بنابراین، انسان مؤمن، در اوج رنج نیز می تواند زیبایی را ببیند؛ نه زیبایی مصیبت، بلکه زیبایی حضور خدا، زیبایی انجام وظیفه و تلاش برای هدف مدنظر و زیبایی ایستادن در سمت درست تاریخ.